نویسنده:
سید محمود بحرالعلوم میردامادی

پاسخ بافته‌ها



بسم الله الرحمن الرحیم

پاسخ بافته ها

نویسنده:

محمود بحرالعلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پاسخ بافته ها

مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی،سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : پاسخ بافته ها/ نویسنده سیدمحمود بحرالعلوم میردامادی.

مشخصات نشر : اصفهان: بهار قلوب ، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۳۷ ص.؛ ۹/۵×۵/۱۹ س م

شابک : ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۰۱-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۱۵ - -- نقد و تفسیر.

موضوع : دین پژوهی

موضوع : دین -- فلسفه

رده بندی کنگره : BP۱۰/۵/م۹۳۶پ۲ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۸

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۱۶۶۱۱

ص:۱

اشاره

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

متن صحبت های آقای ... که در دانشگاه صنعتی اصفهان در سالروز شهادت حضرت خاتم الانبیاء پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایراد شده است را خواندم، باید بگویم که ایشان، ضمن اینکه از آزادی سخن می گوید، ولی به اصل جبری تغییر، (تز، آنتی تز و سنتز) معتقد است، و نیز با اینکه، قائل به برداشت های جدید از دین است ولی با گذشتگان که طبق نظر خود گوینده، آنتی تزها به جنگشان رفته اند، مثل غزالی و یا مولوی طرح دوستی می ریزد و با جنگ صوری که با بعضی مستمعین خود بپا کرده است، می خواهد افکار صوفیه را به لحاظ اینکه با بی تفاوتی سازگار است و هر لحظه به شکلی متغیّر می گردد، رواج دهد.

ص:۵

گوینده، شنوندگان این مجلس را متفکّر و اهل مطالعه معرفی می کند و می گوید:

«اینجا یک مشت انسان های عامی، ننشسته اند که بنده، برای آن ها تبلیغ کنم و برای آن ها روضه بخوانم»

در حالی که ایشان، در گفتارش، تردید نشان می دهد، که شنوندگان، مفهوم تکفیر و تفسیق را بدانند، می گوید:

« با این دو اصطلاح، اگر شما آشنا باشید»!

صرف نظر از افراد جلسه، ما از گوینده سؤال می کنیم:

سؤال:

که با این همه توصیف که شما از شمول تغییر و دگرگونی نمودید، آیا این اصل، خود تغییر پیدا نمی کند و دگرگون نمی شود؟

سؤالی دیگر:

آقای ... پاسخ دهد، آیا

عصر تغییر اصلِ تغییر فرا نرسیده که بشر بتواند بعد از این همه تحقیقات در

زمان ارتباطات فراگیر، به یک قانون جهان شمول و جامع دست یابد و به خوشبختی نایل شود؟

راستی بشر را این مقدار کُند ذهن و سست و بی اراده می دانید

که بعد از این همه مناظرات بزرگ و احتجاج های عظیم، بر سر حقانیت قرآن و عترت علیهم السلام ، هنوز متحیّر و سرگردان باشد؟!

آیا این جسارت و بی ادبی، به انسانِ اهل مطالعه نیست؟

وجود صدها بلکه هزاران مستبصر و ره یافته، در جوامع غربی و اروپایی و حتّی حضور آنان در حوزه های علمیّه شیعه بازگو کننده ی این حقیقت، است که مطالعات و بررسی ها با غرض درک حقیقت به نتیجه رسیده و فریاد می زند: قرآن و عترت علیهم السلام مطلوب عقلاء و محبوب

قلوب پاک است.

بشر، با فطرت خداجو و خواهان عدالت، پذیرای اسلام است ولی عوامل سرگردانی و ابرهای تاریک کفر و نفاق، مانع وصول اکثریّت انسان ها به این دین جامع و نورانی است.

عوامل سرگردانی:

آیا اینگونه سخنرانی های پراکنده و بدون میزان، یکی از عوامل تحیر و سرگردانی نسل جوان، در امور دینی نمی باشد؟

ما معتقدیم که اگر عوامل استکبار، دست از سر مردم بر می داشتند و زورگویی، تحریف و بافتنی های عارف نمایان خاتمه پیدا می کرد، انسان ها راه را از چاه تشخیص می دادند و به کمال مطلوب خود، یعنی مدرسه و دانشگاه قرآن و عترت علیهم السلام می رسیدند.

ولی چه باید کرد، با تبلیغات سرگردان کننده ای به مانند تبلیغ ضمنی این سخنرانی، از «تغییر مارکسیستی»، با آب و تاب عرفان نمایانه؟!

حدیث استغفار:

گوینده باید پاسخ دهد که چه مقدار حدیث را قبول دارد؟

ایشان، حدیث استغفار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را خوانده و برای خدشه دار نمودن عصمت، بدان استناد کرده است.

خوب! ما احادیث دیگر هم داریم، گوینده آیا با احاطه ی علمی به دیگر احادیث، حدیث مذکور را تشریح نموده است؟

آیا گوینده، حدیث «کتاب الله و عترتی»(۱)

که همه ی فِرق مسلمین

نقل کرده اند را مطالعه نموده و به رمز این مطلب رسیده که چرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر الهی عترت را در کنار قرآن قرار داده است؟

سخن صحیح این است که:

اگر به مکتب عترت علیهم السلام بعنوان (مفسّرین واقعی قرآن) معتقد شدیم، سخن احسن را شنیده و از آن متابعت می کنیم.

ص:۹

۱- الکافی، ج ۲: ص۴۱۵؛ الأمالی (للطوسی)، ص۵۴۸؛ بشاره المصطفی لشیعه المرتضی (ط - القدیمه)، ج ۲: ص۱۳۷؛ شرح نهج البلاغه، ابن أبی الحدید، ج ۹: ص۱۳۳؛ الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ج ۱: ص۱۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۳: ص۱۱۸.

آنان که سخنانشان دونِ کلام خالق و فوقِ کلام مخلوق است کیان اند؟

گوینده، که آیه ی شریفه «فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»(۱) را

برای مشروع دانستن سهل انگاری و

مباحی گری تلاوت کرده، آیا هنوز قول ِبِه و بهتر و برترین گفتار را نتوانسته است بیابد و متابعت کند؟

واقعاً از هوش سرشار و دقّت بی شمار اینگونه افراد که هنوز اندر خم یک کوچه اند، انسان متعجب می شود!!

بی خبری گوینده:

چرا گوینـده به احـادیث و جملا‌تی از ادعیه ی پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السـلام اسـتناد می کنـد که ظاهراً مبنـای فکری او را تقویت می نمایـد ولی درباره ی بسـیاری از احادیث معتبر در موضوع راه نجات بشـر از تردیـدها و گمراهی ها، خود را به بی خبری

۱- زمر: ۱۸.

می زند؟

در مورد آیات هم همین طور، فراموش کردن آیاتی که عصمت پیامبران، خاصّه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بیان می نماید، در راستای چه هدفی انجام می پذیرد؟!

این فراموشی و کم حافظه خود را جلوه دادن، آیا راهی برای فرار از مباحثه و مناظره ی علمی و تحقیقی نیست؟

علوم طبیعی:

آخر، کسی که از علوم طبیعی قرآن بی خبر است و از عظمت دانش مفسّرین آن یعنی عترت علیهم السلام ، نا آگاه است، یعنی مثلاً جابر بن حیان، شاگرد امام صادق علیه السلام را نمی شناسد، چگونه به خود اجازه می دهد که به عنوان یک محقّقِ امر دین در دانشگاه سخن بگوید؟

خوب! اگر کسی از دانش قرآن و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمّه علیهم السلام سخنی بگوید، مثلاً از قول گوستاولبون فرانسوی و یا دیگر دانشمندان اروپا، آقای

گوینده می گوید من که گفتم کم حافظه هستم (!!!)

ایشان، بر روی مطالعه،

تأکیـد دارد و تصوّرات ساده ی عوامانه را مردود می دانـد، این در حالی است که ایشان در بخش علوم برگرفته از قرآن (علوم طبیعی) اظهار بی اطلاعی می کند و می گوید:

«من تا به حال ندیدم کسی چنین چیزی نوشته باشد.»

در هر صورت، صـداقت هم دچـار اصـل تغییر شـده و سـخنران محقّق که از تقلیـد عوامانه، نگران است را از بیان حقائق عاجز کرده و به بافتن مطالب قادر نموده است!

پشت هم اندازی و مغالطه در این جلسه، انسان را به یاد داستان ساختگی موسی و شبان می‌اندازد که وقتی شبان، محکوم پیامبر خـدا حضـرت موسـی علیه السـلام می شود، آن زمـان قضـیّه ی: «مـا درون را بنگریم و حـال را» مطرح می گردد و موسـی علیه السلام با سخن عرفان نمایانه محکوم

می گردد.

گوینده، علم و دین را به زد و خورد می اندازد و معلوم نمی کند کدام دین با علم نمی سازد، آیا اسلامِ قرآن و عترت، با علم و دانش مخالف است؟ آیا علم، قوانین اسلام را مردود می داند؟

آیا این همه آیات قرآنی، در موضوع تدبّر، تفکّر وکسب علم و دانش، از قرآنِ موردِ مطالعه ی آقای... حذف شده است و چگونه این همه احادیث از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و عترت طاهرین علیهم السلام در مورد علم و معرفت به نظر ایشان نرسیده است؟!

عصمت:

یکی از مطالبی که در گفتار گوینده، آمده است، مسئله ی عصمت معصومین علیهم السلام است.

البته وقتی بنا بر این

باشد که اصول اسلام، به وسیله ی آنتی تزها کنار زده شود و میزان ثابتی برای فهم دین نداشته باشیم، طبیعی است که کار دین به هرج و مرج کشیده می شود و هر کس از آیات قرآن و احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام و ادلّه ی عقلیّه یک

طلبی را می فهمد، که ممکن است دیگری آن را مردود بداند.

آقای گوینده، آیا به اصل رجوع به متخصّص نظر دارد یا با اصل تغییر، این اصل عقلی و نقلی را هم ردّ می کند؟

این اصل، هم در فرمان قرآنی«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ»(۱) آمده، و هم عقل بدان گواهی می دهد.

چه می شد اگر گوینده، آیات مربوط به گناه انبیاء را

به روایات معتبره ارجاع می داد، و با توجّه به آیات دیگر و احادیث معتبر و ادلّه ی عقلی در مورد عصمت انبیاء، رأی و نظر خود را ارائه می نمود؟

گوینده آیا احتمال نمی دهد گناهی که در قرآن و ادعیه آمده، غیر از گناهی باشد که او تصوّر کرده است؟

ص:۱۴

۱- نحل: ۴۲، انبیاء: ۷.

پاسخ مسئله:

ما چون در مقام پاسخگویی مختصر به این سخنان هستیم، از مباحث مفصّل در زمینه های عقیدتی از جمله عصمت انبیاء علیهم السلام و ائمّه علیهم السلام صرف نظر می کنیم.

ولی اجمالاً ـ بایـد بگوییم، اسـتغفار و نیـایش معصومین علیهم السـلام ، نشان از کمال معرفت آنان دارد، هر چه معرفت، بالاتر، فروتنی و ادب، بیشتر. معرفت و کمال عبد، در

برابر عظمت بی مثال معبود، اقتضاء می کند که عبد به عذرخواهیِ قصور امکانی خود بپردازد.

عبدی را تصوّر کنید که در برابر سلطان، دائماً به عذرخواهی و عرض ادب می پردازد، آیا لازمه ی این کار، این است که عبد گناهی نموده باشد، یا لازمه ی بنده بودن، عذرخواهی از کوتاهی به مفهوم قصور و عرض ادب در برابر سلطان است؟

حتّی این عذرخواهی در مکالمات روزمره ی

ص:۱۵

انسان ها نسبت به هم نوعشان دیده می شود، عامل این عذرخواهی، قصور امکانات انسان و ادب او می باشد. یعنی لازمه ی این عذرخواهی، گناه و ستم در حق دوست و هم نوع نیست، بلکه انسان از کمبودهای طبیعی عذرخواهی می کند و با این عذرخواهی، ادب و محبّت خودش

را نسبت به هم نوعش نشان می‌دهد.

مطلب دیگر این است که، باید رهبران الهی از عوامل تنفّر، دور و جدا باشند، یکی از عوامل تنفّر، گناه و ستم پیشوا است.

مردم می گویند:

هر چه بگندد نمکش می زنند ***وای به روزی که بگندد نمک

نتیجه این است که خدای متعال، برای این که مکتب انبیاء جاذبه داشته باشد، و عامل تنفّر، مردم را از آن ها فراری ندهد، ایشان را البته به اختیار و انتخاب خودشان، معصوم قرار داده است.

ص:۱۶

حضرت محمّد امین صلی الله علیه و آله که در تمام عمر، امین و درستکار بود، امین وحی الهی است و قرآن بر او نازل می شود.

یک مثال:

آدم خوب و متقی اگر خواست نماینده ای برای گروهی بفرستد، جستجو می کند تا آدم خوب و منظّمی را به نمایندگی خودش انتخاب نماید.

چرا؟

چون اوّلاً، مردم از آدم خوب، خوششان می آید و به سخن او بهتر توجّه می کنند، و ثانیاً، وکیل خوب آبروی موکّل را حفظ می کند.

مطلب دیگری که باید اینجا مطرح گردد این است: مسائل عقیدتی که باید با توسعه ی وقت و آرامش فکر مطرح گردد، چرا با این عجله و شتاب و به صورت پراکنده گویی همراه با مقاصد سیاسی بیان می گردد؟

حق کشی در مورد عقائد اسلامی و ظلم در حق

ص:۱۷

نسـل جوان و دانشـجویان عزیز، این است که یـک بحث علمی و تحقیقی در چنـد جمله بصورت مجمل و مبهم مطرح گردد و شک و تردید به فکر مستمعین تحمیل شود.

اگر بنـا به مطرح کردن مبـاحث عقیـدتی باشـد و سـخنگویی بخواهـد در جـانب نفی، مطلبی را تحمیـل کنـد، لازمه ی آزادی خواهی، این است که از مثبتین و طرفداران آن مباحث هم دعوت به عمل آورند و به طور مفصّل با وقت وسیع، مناظره نمایند.

چرا عقائد اسلامی جوانان ما، باید اینگونه قربانی غرب زده ها، التقاطی ها، اهل تصوّف و وهّابیّت گردد؟

خلاف جریان آب شـنا نمودن، خلاف مشـهور سـخن گفتن، شـهرت می آورد، اسم آقای شبهه انداز را سایت ها و روزنامه ها می برند، خوب، این یک نوع، شهوتِ شهرت طلبی است.

تخدیر فکر نسل جوان و اشغال وقت دانشجویان عزیز، از همین راه ها انجام می گیرد.

ص:۱۸

تکرار مباحثی که با براهین عقلی و نقلی به نتیجه رسیده است، القاء شبهه و فراهم کردن زمینه ی درگیری و اختلاف، کار عوامل استعمار است. فردای قیامت، خنده ی حاضرین مجلس، به گریه مبدل می شود و همه، مسئولیّت درگیری، تخدیر اذهان و تلف کردن عمرها را به دوش گوینده می اندازند.

به نظر می رسد که رد کردن فضائل معصومین علیهم السلام از جمله علم، عصمت و قدرت آنان، گاهی برای جاده صاف کردن مدّعیان دروغین پیامبری و امامت بکار گرفته می شود.

شهرت طلب چه بکند؟ می خواهد ادّعای آقایی و بزرگی نماید ولی ابزار آنرا ندارد.

حالا باید چه بکند؟

می گوید پیامبر و امام، علم غیب و عصمت و معجزه نداشته اند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم یک انسان بدون علم، عصمت و قدرت هستند!!

ص:۱۹

پس من هم، بدون داشتن فضائل یاد شده، می توانم ادّعای نبوّت و یا امامت بکنم!!

و این باعث می شود که کسی از مدّعی، دلیل نخواهد و علم، عصمت و قدرت بر اعجاز طلب نکند، و کار ادّعا بدون دردسر به نتیجه برسد.

این منطق، که ما چون نمی توانیم بالا ـ برویم و علم، عصمت و قدرت کسب کنیم، پس بالائی ها را با تبلیغ می آوریم پایین، یک منطق شیطانی است و کم و بیش در تاریخ، سابقه داشته است.

و باید بدانیم در این گونه سخنرانیها ی بی سر و ته، مقاصدی وجود دارد که یکی

از آن ها، ترور شخصیّت است.

گاهی مجموعه ی سخنرانی، مهم نیست که چه باشد، متفرقات و جملات معترضه، مهم است که می بینی بدون مناسبت، یک هجمه به مثلاً، پیامبر خدا و یا امام می شود.

ص:۲۰

اعلامیه ی حقوق بشر:

در گفتار گوینده به اعلامیه ی حقوق بشر بسیار تکیه شده و ایشان بطور ضمنی می خواهد مکتب اسلام را فاقد قوانین حقوق بشر معرفی کند، در حالی که به نظر اندیشمندان منصف، برترین قوانین حقوق بشر در اسلام و مکتب قرآن و عترت وجود دارد. محقّق مسیحی آقای جرج جرداق می گوید:

«علی بن ابیطالب نخستین اندیشمند

شرقی ای بود(۱)

که اعلام داشت: اموال عمومی و بیت المال از آن توده ی مردم است نه دارایی خاص طبقه ی حاکمه و اشراف. هم چنین وی نخستین زمامدار

۱- توجه داشته باشید که آقای دکتر جرج جرداق یک متفکر و دانشمند مسیحی بوده است والا می گفت: حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخستین امامی است که...

در سراسر مشرق زمین بود که این حقیقت را تا آن حد بیان و تشریح کرد که قالب و شکل قانون به خود گرفت. پس اموال عمومی و بیت المال، «طعمه و رزق فرمانداران و زمامداران نیست» بلکه مربوط به همه ی مردم

است و زمامداران در مکتب و قانون امام علی در مورد این اموال، فقط «نگهبانان و خزانه داران اموال مردم» هستند و آنان در کلام دیگری از امام «نگهبانان مردم و نمایندگان ملت» بشمار می آیند.

جالب تر و روشن تر از همه ی این ها در نشان دادن تعاون و همکاری در بین بشریّت، این سخن امام علی علیه السلام است که:

«... خداوند برای بعضی مردم بر بعضی دیگر حقوقی قرار داده و آن حقوق را در حالات گوناگونش، برابر و یکسان گردانیده، و بخشی از آن ها را در برابر

بخش دیگر واجب کرده است و بعضی از آن حقوق، جز در قبال بعضی دیگر تحقّق و وقوع نمی یابد.»

آقای دکتر جرج جرداق ادامه می دهد:

«من در گفته ها و سخنان متفکّران بزرگ فرانسه، در زمان پیش از انقلاب و یا در اثنای آن، یعنی در غنی ترین مرحله از مراحل تاریخ بشری، جالب تر و عمیق تر از این اندیشه و این بیان، در اظهار وحدت و یگانگی کوشش های مشترک بشری، جمله ای نیافته ام... کوشش های مشترکی که امام علی علیه السلام از آن ها به: وحدت وظایف و وحدت حقوق، تعبیر کرده است.

با مطالبی که بیان کردیم، بی شک در نزد خواننده ی محترم شکل روشن و آشکاری از حقوقی که علی بن ابیطالب علیه السلام آن را برای انسان می خواست، و بدون هیچ گونه

ابهام و پرده پوشـی و پیچیـدگی آن را بیان می داشت، ترسـیم شد و چگونگی آن به دست آمد. و ما با تلخیص آن مطالب در این فصل، از بررسی و توضیح مجدد، بی نیاز خواهیم بود.

ولی به دلیـل آن که ارزش والایی را که نظریّات علی بن ابیطالب علیه السـلام در زمینه ی حقوق به خود اختصاص داده است، بیـان کنیم و برای آن که عظمت و یگـانگی حضـرت علی علیه السـلام را در اصول و قانونش، به شـکل روشن تر و کامل تری نشـان دهیم، بهتر است مهمترین مواردی را که در «اعلامیه ی جهـانی حقوق بشـر» ذکر شـده است، در این کتاب نقل کنیم تا اگر فرق اساسی ای بین مکتب

امام علی علیه السـلام و این اعلامیه ی جهانی، در باره ی این حقوق همگانی وجود دارد، خود آن را ببینید و علّت و چگونگی آن را دریابید.

ولی اگر صحیح باشد که در این زمینه، سخن کوتاهی گفته شود، باید اشاره کنیم که: واقعاً بسیار دشوار است که از نظر حقیقت و روح مسأله، انسان، اختلافی بین مکتب و اصول امام علی علیه السلام و اعلامیه ی حقوق بشر پیدا کند».

سپس این محقّق مسیحی به برتری اصول حقوق بشر امام علی بن ابیطالب علیه السلام اشاره می کند و می گوید:

«البته وقوع اختلاف در عبارات و جزئیّات، با در نظر داشتن اختلاف زمان ها، یک مسأله ی اجتناب ناپذیر است،

ولی از نظر پایه و اساس، به نظر ما هیچ ماده ی اساسی در اعلامیه ی حقوق بشر، که آن را مجمع سازمان ملل متّحد منتشر ساخته است، وجود ندارد، مگر آن که نظیر و همانند آن را در دستور و اصول علی بن ابیطالب علیه السلام خواهید یافت. و علاوه بر آن، در دستور و برنامه ی علی علیه السلام ،

ص:۲۵

چیزهایی خواهید یافت که بی شک، برتر و بالاتر از مواد اعلامیه ی جهانی حقوق بشر است».

وی سپس تفاوت بین اعلامیه ی حقوق بشر و دستورهای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در این موضوع را بررسی کرده، می نویسد:

«ولی اگر تفاوت صحیحی در میان این دو قانون جهانی وجود داشته

باشد، در مورد پایه گذاران این دو اعلامیه ی جهانی است، که به نظر ما در چهار نقطه خلاصه می شود:

۱- نخستین فرق آن است که: اعلامیه ی جهانی حقوق بشر را هزاران نفر از متفکّران منسوب به اکثریّت یا همه ی دولت های جهان، وضع کرده و به وجود آورده اند، در صورتی که مواد و اصول قانون اساسی علوی را بزرگ مرد واحدی به نام علی بن ابیطالب علیه السلام به

وجود آورده است.

۲- تفاوت دوّم در آن است که علی بن ابیطالب بیشتر از ده قرن، بر بنیادگذاران اعلامیه ی حقوق بشر پیشی دارد.

۳- فرق سوّم در آن است که به وجود آورندگان اعلامیه ی حقوق بشر، یا

به عبارت صحیح تر، گردآورندگان مواد و اصول آن، سراسر دنیا را درباره ی کاری که کردند یا می خواستند بکنند! با لاف و گزاف و خودستایی پر ساختند، و تا آن جا در خودستایی پیش رفتند و افراط کردند، که صدق و راستی و وجدان و ذوق انسانی از آن متنفّر شد، زیرا آنان با مظاهر غرور و خود پسندی هایشان، مردم را خسته کردند و به ستوه آوردند و هزار و یک منّت و هزار و یک بار گران بر دوش مردم و ملّت ها نهادند!، در حالی که علی بن ابیطالب علیه السلام بر توده ها و خدای جهانیان

تواضع و فروتنی کرد و هرگز فزونی و برتری‌ای

نخواست و بزرگی ای نجست، و بلکه از خداوند و از توده‌ی مردم امید داشت که از کرده و ناکرده اش درگذرند و او را ببخشند.

۴- چهارمین و مهمترین تفاوت ها در آن است که بزرگترین و اکثریّت دولتهایی که در پیدایش اعلامیه ی حقوق بشر، شریک و سهیم بودند و یا آن را به رسمیّت شناختند، همان هایی هستند که حقوق انسان را از او سلب می کنند و در هر گوشه و کنار از جهان، سربازان خود را برای نابودی این اعلامیه و از بین بردن این حقوق گسیل می دارند، در صورتی که:

علی بن ابیطالب هرجا که قدم نهاد و

در هر مقامی که سخن گفت و هر دم که برق شمشیرش همراه پرتو خورشید درخشیدن گرفت، پرده های استبداد را از

ص:۲۸

هم درید و شکل ها و رنگهای گوناگون استثمار و خودپرستی را از میان برد و ریشه ی ظلم و ستم را برکند و زمین را هموار ساخت تا بتوان به آسانی در آن گام نهاد، و سپس در راه دفاع از حقوق افراد و توده ها، در راه نگهبانی حقوق و آزادی های انسان، شهید از دنیا رفت و این بعد از آن بود که در دوران زندگی خود هزار بار در این راه جانبازی کرده و شهید شده بود.»(۱)

ص:۲۹

۱- مترجم محترم (الامام علی صوت العداله الانسانیه) در پاورقی این قسمت آورده است: مؤلف محترم مهمترین مواد اعلامیه را از کتاب تاریخ اعلان حقوق الانسان، تألیف نویسنده ی فرانسوی «آلبیربابییه»، تعریب دکتر محمد مندور، که از طرف «اتحادیه ی دول عربی » منتشر شده است، نقل کرده بود، ولی ما به دلیل آن که اطلاعات خوانندگان محترم درباره ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به وسیله ی مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و اعلام شد ، کامل تر شود، همه ی مواد آن اعلامیه را با مقدمه ای که از طرف سازمان ملل متحد بر آن نوشته شده است، در این جا نقل می کنیم تا در ضمن مطالعه ی آن، عظمت اصول بزرگ و جهانی اسلام را بطور کامل دریابند و البته ما از نظر بینش اسلامی، درباره یعضی از مواد اعلامیه ی حقوق بشر، نظراتی داریم که شاید در فرصت مناسب و امکانات بهتر، به نشر آن اقدام کنیم. رجوع کنید به کتاب امام علی صدای عدالت انسانیت، جلد ۴: ص۱۷۳، انتشارات فراهانی.

آقای جرج جرداق در فصلی جداگانه با عنوان «برتری اصول امام علی علیه السلام » به مقایسه ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و اصول انسانی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پرداخته، می نویسد:

«پس از این بررسی، که ما به طور خلاصه در ضمن آن، همه ی مبادی و اصول اعلامیه‌ی انقلاب فرانسه و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را ارزیابی کردیم و در معرض مقایسه با اصول انسانی علی بن ابیطالب قرار دادیم و دیدیم که یا از نظر نصوص و مفاهیم، و یا از هر دو نظر و یا

آقای جرج جرداق در فصلی جداگانه با عنوان «برتری اصول امام علی علیه السلام » به مقایسه ی اعلامیه ی جهانی حقوق بشر و اصول انسانی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام پرداخته، می نویسد:

«پس از این بررسی، که ما به طور خلاصه در ضمن آن، همه ی مبادی و اصول اعلامیه‌ی انقلاب فرانسه و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر را ارزیابی کردیم و در معرض مقایسه با اصول انسانی علی بن ابیطالب قرار دادیم و دیدیم که یا از نظر نصوص و مفاهیم، و یا از هر دو نظر و یا

فقط از نظر مفاهیم و مضامین، همگام با مواد آن دو اعلامیه است، اکنون باید یادآور شویم که اصالت ریشه‌دار شخصیّت بی نظیر و یگانه ی تاریخ ما، در بینش و اندیشه، در چهارچوبی که ما آن را نشان دادیم، متوقّف نماند، بلکه در تقریر و بیان یک سلسله حقایق اجتماعی، که متفکّران و اندیشمندان تا اواسط قرن نوزدهم و یا حتّی اوایل قرن بیستم، از درک آن عاجز و دور مانده بودند، چنانکه امروز نیز بسیاری از مردم هنوز نتوانسته اند به آن ها به مثابه ی حقایق صحیح بنگرند، به مرحله ای بالاتر و والاتر از این دو

اعلامیه ی جهانی رسید و در آن گام نهاد.

در بیان حقایقی که ما به آن ها اشاره می کنیم و می گوییم، علی بن ابیطالب علیه السلام از مواد موجود در اعلامیه ی انقلاب فرانسه و اعلامیه ی

ص:۳۱

جهـانی حقوق بشـر نیز فراتر رفته است، حقـایق و اصولی دربـاره ی مفهوم بنیاد اجتماعی از جانب امام علی علیه السـلام مطرح شده که متأسفانه هیچ یکٔ از کسانی که درباره ی امام علی علیه السلام مطلبی نوشته اند، به آن ها اشاره ای نکرده اند».

نویسنده در بخش دیگری می نویسد:

«عظمت و شخصیّت یگانه ی علی بن ابیطالب از اصول و ارکان دیگری نیز پرده بر می دارد که در زمینه ی مسائل

مربوط به سیسـتم های اجتماعی دوران خود و همه ی دوران های پس از آن، از همه ی آن چه که گفتیم و نقل کردیم، برتر و والاتر است.

این‌ها مبادی و اصولی است که امام علی علیه السلام به وسیله‌ی آن‌ها، ا ز روح دو اعلامیه ی انقلاب فرانسه و اعلامیه ی مجمع عمومی، در بسیاری از مسائل و نکات پر

اهمیّت، گامی فراتر نهاده است.

در طلیعه ی حقایقی که علی بن ابیطالب علیه السلام آنها را درک کرده و بی شک بیان و تقریر آنها، جز از جانب یک اندیشمند بزرگ و خردمندی یگانه و فردی عمیق و نکته بین، امکان پذیر نیست، این اصل اساسی است که وی با بیان آن، داستان همه ی قرون و اعصار انسانیّت قدیم را به طور کامل ضبط کرده و شرح داده و هم چنان به ضبط داستان قرون جدید پرداخته است...

آن جا که می فرماید:

«هیچ بی نوا و تنگدستی گرسنه نماند، مگر در سایه ی آن که ثروتمندی از حق او بهره مند شده است، و آن جا که باز برای تحکیم این حقیقت فرموده است: (هیچ نعمت فراوانی را ندیدم مگر آن که در کنار آن حقی پایمال شده است)!

ص:۳۳

معتقدم که علی بن ابیطالب علیه السلام با بیان و شرح این حقیقت، از هر دو اعلامیه - اعلامیه ی انقلاب کبیر فرانسه و اعلامیه ی جهانی حقوق بشر - گامی فراتر

نهاده و جلوتر رفته است. چرا که نه در نصوص و مواد اصلی آن دو اعلامیه، و نه در فروع مربوط به آن اصول و مواد، حتّی اشاره ای هم به این حقیقت اساسی نشده است.

و باید علناً خاطرنشان سازم که هیچ یک از اندیشمندان و متفکّران قرون گذشته، این حقیقت اصلی اجتماعی را نتوانسته اند درک کنند و به همین علّت هم، نه به طور صریح و نه به طور اشاره، از آن یادی نکرده اند.»(1)

۱- امام علی صدای عدالت انسانیت، جلد ۳: ص۱۷۳.

نتیجه:

ما ضمن تقدیر، از آقای دکتر جرج جرداق، که

با نوشتن کتاب (امام علی صدای عدالت انسانیّت) به ترویج عدالت خواهی، در جهان پرداخته است و ضمن انتقاد از گوینده که در مورد حقوق بشر، چشم بسته و ناآگاهانه سخن گفته، به نتیجه گیری می پردازیم:

با توجّه به مطالعه ی اعلامیه ی حقوق بشر و دقّت در آیات قرآن و رساله های حقوق حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و معصومین دیگر، مثل رساله ی حقوق امام سجاد علیه السلام ، در می یابیم که بهترین روش و برترین قانون در موضوع حقوق موجودات خاصّه انسان، در کتاب الهی قرآن و به زبان اولیاء الله یعنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و عترت طاهرین علیهم السلام بیان گردیده است.

بیان این مطلب، به نظر غرب زدگان و کسانی که توحّش

قرون گذشته ی اروپا را فراموش نموده اند،

ص:۳۵

کار صحیحی در مسیر روشنفکری تلقی نمی گردد.

چون روشـنفکری حوزوی و دانشـگاهی به لسان آقایانی که توحّش را تمـدّن می خواننـد، نادیده گرفتن حقایق و پنهان کردن ریزه کاری ها و ظرائف قرآنی، حدیثی و تاریخی است.

عوامـل کلیسـا و فِرق مختلفی که تحت نظـارت متفکّران صـهیون در سراسـر دنیـا فعالیّت دارنـد و در واقع مجری پروتکل های اندیشمندان یهود به نام روشنفکری، وهّابیّت، تصوّف، دین جدید و فهم جدید از دین می باشند، و رستاخیر ایران و بعث عراق و مهمتر، اصول دیـالکتیکی مارکسـیستی از جمله، اصـل تغییر و دگرگونی را عملاً تأییـد و تبلیغ می نماینـد، چگونه می توانند هدایت گر مردم به سوی قرآن

و عترت علیهم السلام باشند و بر خلاف تعهّدشان در برابر استعمار عمل کنند؟!

و در این گفتار اضافه بر پشت هم اندازی و مغالطه و

بی توجّهی ایشان به آیین سخنرانی، یک نوع تعهّد استعماری مشاهده می گردد،(۱) چرا که مجلس تجلیل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله (نعوذ بالله) مبدّل به تحقیر ایشان شده است و گوینده به ترور شخصیّت برگزیدگان الهی پرداخته است.

به هر حال ما نگران حال گوینده نیستیم، مهم این است که دانشجویان عزیز با مطالعه ی دقیق، خلاف گویی های گوینده را بررسی نموده، حقوق بشر را در مکتب امامت و ولایت جستجو کنند و حقّانیّت کلام الله، بزرگی رسول

خدا صلی الله علیه و آله و ائمه ی معصومین علیهم السلام را به خوبی ببینند.

آری، «إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ يَهْدِی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ»(۲)

در پایان لازم به تذکر است که بدانیم منحرفین می خواهند ملّت شریف ایران و امّت اسلامی را

۱- یعنی در گفتار سخنرانی که در این مقاله به نقد گفتار او نشسته ایم.

۲- اسراء: ۹.

بیازماینـد و غیرت دینی مردم را محـک بزننـد، به تعـبیر دیگر می خواهنـد بداننـد که تقیّـد، دلبسـتگی و ایمـان مردم نسـبت به مقدّسات دینی شان آیا هنوز باقی مانده است و یا با تبلیغات استعماری، کم رنگ و خدشه دار شده است؟ باید برای پاسخ این گروه بگوییم:

عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.

کمترین اثر این مخالفت ها، حساسیّت بیگانگان، نسبت به

اسـلام و تشـیع است، که به ویژه، در این دو سه دهه، برای شناخت این مکتب جامع و نورانی، سر از پا نمی شناسند و می بینیم که گروه گروه، مردم دنیا به ویژه دانشمندان آنها، مسلمان می گردند.

آنهـا این عقائـد باطـل را ملاـک کـار قرار نمی دهنـد و کـاری به انـدیشه هـای صوفیانه، وهّابی زده و یا تفکّرات مارکسـیستی ندارند.

آنها نمی خواهند مطالعاتشان با نظر اسلام شناسان صهیونیستی صورت بگیرد و با عینک التقاطی به قرآن و عترت علیهم السلام نگاه کنند.

ص:۳۸

این که می گویم، نتیجه ی گفتگو با صدها مستبصر و ره یافته‌ی شرقی و غربی و غیر آن می باشد.

بشارت:

و باید به نسل جوان و دانشجویان عزیز، بشارت

دهم:

بـا وجود اسـلام خواهی در کـل دنیـا، خـاصّه غرب و بـا حضور جوانـان متـدیّن و به تعـبیر بهتر پیروان مکتب غـدیر، عـاشورا و مهدویّت در جوامع اسلامی به ویژه در دانشگاه ها، ما منتظر یک انقلاب عظیم الهی در کل جهان هستیم.

ما منتظِر امام منتظَریم.

سلام بر رسول امین صلی الله علیه و آله و مبیّن حقوق بشر امیرالمؤمنین علیه السلام

سلام بر ترجمان قرآن حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه

ص:۳۹

سلام بر شهیدان الهی، علمای ربّانی و مرزبانان عاشورایی

سلام بر آنان که از عوامل شکست مسلمین در آندلس(اسپانیا) با خبرند و تعهّد خویش را در قبال قرآن

و عترت علیهم السلام و در برابر شهدای راه فضیلت و منادیان طریق عدالت فراموش نکرده اند.

والسّلام علیکم

سیّد محمود بحرالعلوم میردامادی

قم مقدسه، ۹ ربیع الاول ۱۴۳۱ ه‍. ق

ص:۴۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹